



مزرعه کشاورزی بولوار اندیشه
جایی است که به اهالی حس تعلق خاطر داده است

ریشه دار شدن در محله

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

مرحوم غلامعلی زاده ۲۵ سال پیش
بادست و دل بازی خانه اش را وقف مسجد کرد

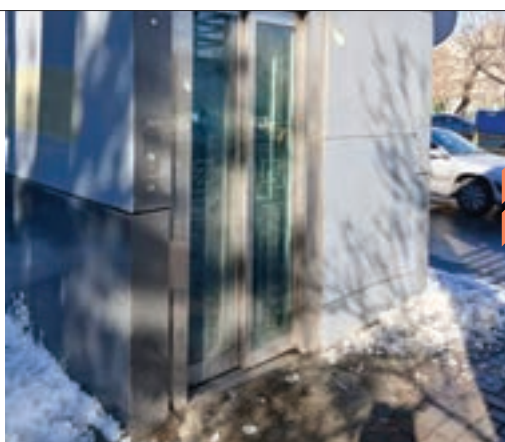
خدایا مرزی اهالی
برای فاطمه خانم

۶



۲ اهالی محله کوثر از خرابی
آسانسور پل عابر پیاده گلایه دارند
عبور سخت از پل باهنر

۷ جشن «مغز بادوم» در مسجد امام جعفر صادق (ع)
محله گلدیس برگزار شد
نوه داری پدر بزرگ ها



اهالی محله کوثر از خرابی آسانسور پل عابر پیاده گلایه دارند

عبور سخت از پل باهنر

رضایحی پل عابر پیاده ابتدای بولوار باهنر هر روز محل رفت و آمد گسترده شهروندان، به ویژه دانشجویان دانشگاه فردوسی و مراجعه کنندگان به بوستان بزرگ ملت است. در روزهای گذشته بخش شایان توجهی از قطعات آسانسور این پل به سرقت رفته و همین باعث از کار افتادن آن شده است. حالا خرابی آسانسور، عبور را برای سالمندان، افراد دارای معلولیت و خانواده هایی که فرزند کوچک دارند، دشوار کرده است. شهرداری اعلام کرده در تلاش است آسانسور را دوباره راه اندازی کند. وعده ای که خیلی از شهروندان ساکن محدوده بولوار کوثر، چشم انتظار تحقق آن هستند.

هم قدم

۹

خیلی ها هم به پارک ملت می روند. جوان ها برای استفاده از پله ها مشکلی ندارند اما افراد مسن و معلول و بانوانی که فرزند کوچک دارند، حسابی از نبود آسانسور در عذاب هستند. ریاضی ادامه می دهد: من چند وقت پیش با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتم و به آن ها از ضرورت مرمت این آسانسور گفتم. شهرداری هم قول داد که در اسرع وقت آسانسور این پل را مرمت می کند.

●● سختی جمع و جور کردن تجهیزات آسانسور

برای موضوع خرابی آسانسور پل عابر پیاده با رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۹ گفت و گو می کنیم. سید هادی صالحی در این باره به ما می گوید: بخش زیادی از تجهیزات آسانسور دو سمت پل عابر پیاده ابتدای بولوار باهنر به سرقت رفته است. جمع و جور کردن این تجهیزات، خیلی سخت است و هر بار که می خواهیم این آسانسورها را مرمت کنیم، با مشکلات بسیاری مواجه می شویم.

صالحی در ادامه توضیح می دهد: برای تأمین قطعات آسانسور در دو سمت پل عابر پیاده ابتدای بولوار باهنر پیمانکار گرفته ایم. این هفته آسانسور سمت پارک ملت مرمت می شود و ظرف یک هفته آینده آسانسور پل هوایی نبش بولوار باهنر هم به مدار خدمات رسانی برمی گردد. شهرداری محله موضوع تعمیر آسانسورهای پل عابر پیاده ابتدای بولوار باهنر را پیگیری می کند.

بیش زیادی از تجهیزات آسانسور دو سمت پل عابر پیاده ابتدای بولوار باهنر به سرقت رفته است. جمع و جور کردن این تجهیزات، خیلی سخت است

“

●● آسانسوری که دائم خراب است

خیلی از شهروندان می آیند و بعد از اینکه دکمه آسانسور را می زنند و از خرابی آن مطلع می شوند، زیر لب غرولندی می کنند و مسیر پله ها را در پیش می گیرند. سبیل ریاضی، یکی از شهروندان، می گوید: این آسانسور یک هفته درست است و باز خراب می شود. اما هر بار که می خواهند درستش کنند، مدت ها طول می کشد. خیلی از دانشجویها و اهالی با استفاده از این پل، خود را به پایانه اتوبوس رانی می رسانند.

برف روبی و بازگشایی کامل معابر

در پی بارش برف اخیر و تلاش مستمر نیروهای خدمات شهری، معابر اصلی و فرعی منطقه ۹ مشهد برف روبی و پاک سازی شد. این عملیات با حضور فعال پاکبانان زحمتکش و استفاده از امکانات و ماشین آلات خدمات شهری انجام گرفت و در کوتاه ترین زمان ممکن اجرا شد. در حال حاضر، تردد در معابر منطقه ۹ به صورت عادی و روان در جریان است.

شهر خبر

۹

حمایت از پرندگان در سرمای زمستان

هم زمان با بارش برف و سرد شدن هوا، دان خوری پرندگان در باغ وکیل آباد شارژ شد. این اقدام انسان دوستانه در تاریخ ۲۸ آذر و با هدف حمایت از پرندگان در روزهای سخت زمستان انجام گرفت. در شرایطی که برف، دسترسی پرندگان به غذا را دشوار می کند، این حرکت ارزشمند، نقش مهمی در حفظ جان و سلامت آن ها دارد.

دوره آموزشی برای اعضای شورای اجتماعی

دوره آموزشی توانمندسازی و مسئله یابی اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۹ مشهد با حضور مهدی ابراهیمی، معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان فرهنگی شهرداری مشهد، برگزار شد. در این دوره آموزشی، اعضای شوراهای وظایف، مصوبات قابل اجرا، تشکیل کارگروه های مختلف و پیگیری مشکلات اهالی آشنا شدند.

ریاضی ادربی صدور هشدار سازمان هواشناسی مبنی بر فعالیت سامانه بارشی ابتدای هفته، کارکنان خدماتی شهرداری منطقه در آماده باش کامل بودند. شهردار منطقه ۹ با اعلام این خبر گفت: پیش بینی برف و باران شدید در ابتدای هفته جاری باعث شد که از ۱۰ روز گذشته، ستاد مدیریت بحران منطقه تشکیل شود و همه عوامل و تجهیزات لازم برای خدمات رسانی به شهروندان در شرایط بارندگی آماده باشند.

بر اساس گفته سعید حسینی زاده مقدم، همه عوامل ادارات خدمات شهری و فضای سبز شهرداری منطقه ۹ این هفته پای کار بودند. ۶۵۰ نیروی خدماتی در سه شیفت کاری به اهالی خدمات رسانی می کردند و ۳۱۰ دستگاه خودرو شامل خاور، گریدر، کمپرسی، بازو غلتان، جرثقیل، تانکر جمع آوری آب های سطحی و لوادر به عملیات برف روبی کمک می کردند. او در ادامه توضیح داد: شارژ باکس های شن و نمک برای جلوگیری از یخ زدگی معابر و پل های روگذر خودرو و پل عابر پیاده از دیگر خدماتی بود که شهرداری منطقه ۹ در روزهای برفی مشهد انجام داد.

شهردار منطقه ۹ در پایان بیان کرد: با توجه به گستردگی منطقه ۹، بازگشایی معابر اصلی در اولویت قرار دارد. شهروندان می توانند در صورت طولانی شدن معضل یخ زدگی معابر محله زندگی شان با سامانه ۱۳۷ تماس بگیرند.



شهرداری منطقه ۹ در روزهای برفی ابتدای هفته، روزهای پرکاری را تجربه کرد

آماده باشی ۶۵۰ نفری

همسایه به همسایه، دیدار سی ام، خیابان شهید سلیمی

مهربانی کردن در حق بچه های هم

فهیمة شهری | خیابان شهید سلیمی در محله خاتم الانبیا (ع) از آن خیابان هایی است که همسایه داری در آن خیلی پررنگ است. اهالی اینجا در عین سادگی، به خانه های هم رفت و آمد دارند و در این مراودات حواسشان به همسایه های کم بضاعت و نیازمند هم هست. اینجا همسایگی همان حال و هوای قدیم را دارد و زندگی آپارتمان نشینی اهالی را از هم دور نکرده است. وقتی در خیابان شهید سلیمی چرخ می زنی، یک اسم از بقیه بیشتر شنیده می شود و آن زینب خانم نجمی است. بسیاری از همسایه های این خیابان اگر بفهمند کسی برای تهیه مایحتاج زندگی نیاز به کمک دارد، نذاو می روند تا این یاری را از طریق زینب خانم انجام دهند. همین هم باعث شده که او چهره ای سرشناس در محل زندگی اش باشد.

دغدغه مند نیازمندان

زینب خانم نجمی بیش از هفده سال است که در این محل سکونت دارد. ارتباطات همسایه داری را مایه آرامش و امنیت می داند و بایستاری از همسایه ها سلام و علیک دارد. او با خیران در ارتباط است و به قول خودش در حد توانش سعی می کند گره زندگی مردم را باز کند. خیلی از همسایه ها هم کمک هایشان را به زینب خانم می دهند تا او به دست نیازمندان برساند. به نظر او همسایه خوب باید محرم اسرار و راز نگهدار باشد.

افاطمه خانم غدیری را به عنوان یکی از همسایه های خویش معرفی می کند و می گوید: هر کدام از ما به نوعی مشکلات خانوادگی برایمان پیش می آید و در این میان به کسی نیاز داریم که با او درد دل کنیم.

او ادامه می دهد: فاطمه خانم شنونده راز نگهداری است. هر بار با او صحبت می کنم، خیلی خوب توصیه به صبر و گذشت می کند. من همیشه با صحبت هایش قانع و آرام می شوم. زینب خانم با فاطمه خانم شوخی های کلامی هم دارند. به نظر خودش خیلی وقت ها همین شوخی های ظاهرا کوچک، روحیه آدم را عوض می کند.

دلخوشی ام همین همسایه ها هستند

فاطمه خانم از چهل سال پیش که در این خیابان ساکن شده است، با همسایه هایش ارتباط دارد. او می گوید: من قوچانی هستم. تازه عروس بودم که آمدم اینجا. غریبم و تمام دلخوشی ام همین همسایه هاست. آدم های خیلی خوبی هستند. در همه این سال ها انگار با هم زندگی کرده ایم. با هم به خرید می رویم؛ ترشی درست می کنیم؛ لباس، نان، سیب زمینی، برنج، قالمه و... به یکدیگر قرض می دهیم. در بیماری و گرفتاری به داد هم می رسیم. او ادامه می دهد: پدر شوهر و مادر شوهر من که فوت کردند، همه مراسم را در خانه ام برگزار کردیم و آن قدر همسایه هایم خدمت کردند که می گفتم چطور برایشان جبران کنم. غذا می پختند، ظرف می شستند، پذیرایی می کردند. او سکینه خانم حیدری را به عنوان یکی از همسایه های خویش معرفی می کند و می گوید: ما با سکینه خانم مثل خواهر هستیم. در حق بچه های هم مادری کرده ایم. ماه رمضان یک روز در میان افطاری درست می کنیم و به یکدیگر می دهیم. با هم ترشی و حلوا و نذری درست می کنیم. اگر چیزی در خانه کم داشته باشیم، از یکدیگر می گیریم.

آمولانس همسایه ها

فاطمه خانم در حالی که می خندد، می گوید: قدیم فقط سکینه خانم و شوهرش ماشین داشتند. موقع زایمان هر خانمی می شد، با ماشین آن ها به بیمارستان می رساندیمش. سکینه خانم که یاد قدیم افتاده است، تعریف می کند: یکی از همسایه ها را که به بیمارستان بردیم، بچه هایش دوقلو بودند. فرزند دیگرش در عالم کودکی گفته بود «چرا سکینه خانم برای همه یک بچه از بیمارستان آورده است، اما برای مادوتا؟»، او به عکس همسرش که چهار سال پیش فوت کرده است، اشاره می کند و می گوید: او رفت، اما خاطرات و کارهای خیرش ماند. سکینه خانم ادامه می دهد: تا وقتی شوهرم بیمار بود، همسایه ها خیلی به عیادتش می آمدند؛ بعد هم که فوت کرد سنگ تمام گذاشتند.

به نظر او همسایه باید با همسایه اش طوری رفتار کند که دوست دارد با خودش آن طور باشند. سکینه خانم همیشه با روی خوش، خانه و وسایلش را در اختیار همسایه هایش می گذارد و در قبالش این جمله را از او زیاد شنیده اند: «سال ها این خانه ها و وسایل باشد و ما نباشیم».



۱۰



تأمین غذای پرندگان در روزهای برفی

هم زمان با ورود موج سرما و بارش برف، عملیات شارژ مستمر دان خوری های تعبیه شده در بوستان ها و فضاهای سبز منطقه ۱۰ با هدف حمایت از پرندگان آغاز شد. این کار به منظور تأمین غذای مورد نیاز پرندگانی انجام می شود که بوستان های شهری رازیستگاه خود انتخاب کرده اند تا در فصل سرما با کمبود غذا مواجه نشوند.

شهر خبر

۱۰

لباس گرم بر تن گیاهان

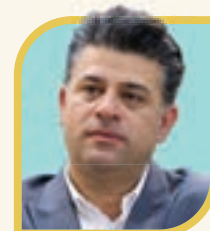
دمای پایین موجب ایجاد سرمازدگی و در مرحله بالاتر موجب ایجاد یخ زدگی در گیاهان می شود و به آن ها به شدت آسیب می رساند؛ براین اساس در روزهای اخیر که برف و سرما شهر ما را دربر گرفته است، گونه های گیاهی حساس به سرما در سطح معابر، میادین و بوستان های منطقه ۱۰ پلاستیک و نیلون کشی شد.

برف تکانی از درختان پارک ها

در هفته ای که گذشت، درختان بوستان ها و معابر منطقه ۱۰ به منظور جلوگیری از شکسته شدن و سقوط درختان برف تکانی و سبک سازی شد. در ادامه اقدامات اداره فضای سبز درختان و شاخه های سقوط کرده از معابر و بوستان های این منطقه جمع آوری و نیمکت ها، تجهیزات ورزشی و مسیرهای پیاده روی پاک سازی شد.

ریاحی اشهردار منطقه ۱۰ از آماده باش کامل نیروهای اجرایی منطقه در روزهای برفی این هفته خبر داد. وحید برجسته نژاد در این باره گفت: با توجه به هشدارهای اداره هواشناسی درباره بارش برف سنگین در شهر، شهرداری منطقه ۱۰ برای تسهیل تردد شهروندان و جلوگیری از آب گرفتگی و یخ زدگی معابر اصلی و فرعی و پیاده روها آمادگی کامل داشت. به گفته شهردار منطقه ۱۰ برای روزهای برفی این هفته، تعداد ۳۶۳ نیروی پاکبان در سه شیفت کاری به صورت بیست و چهار ساعته به کارگیری شدند تا در صورت بروز هرگونه مشکل، در کوتاه ترین زمان ممکن برای رفع آن اقدام کنند. او ادامه داد: پنجاه دستگاه ماشین آلات سبک و سنگین شامل چهار دستگاه گریدر، دستگاه های برف روب سنگین و نیمه سنگین، شش دستگاه خاور و سه دستگاه نمک پاش مکانیزه برای خدمت رسانی در منطقه آماده بودند.

شهردار منطقه ۱۰ در پایان افزود: نیروهای اداره فضای سبز منطقه ۱۰ نیز به منظور ارائه خدمات متناسب با شرایط جوی، در آماده باش کامل قرار داشتند و اموری مانند برف ریزی از درختان، نظافت نیمکت های پارک ها، جمع آوری شاخه های شکسته را برعهده داشتند.



این هفته شهرداری منطقه ۱۰ مشهد پیرو هشدار هواشناسی در آماده باش کامل بود

**۳۶۳ پاکبان
در ۳ شیفت کاری**

مزرعه کشاورزی بولوار اندیشه، جایی است که به اهالی حس تعلق خاطر داده است

ریشه دار شدن در محله

۱۰ سمیرا شاهیان مدتی است که از «محل عبور» به «محل ماندن» تبدیل شده. اهالی خوش ذوق اینجا دور هم جمع می شوند و در هیاهوی فضای شهری، کشاورزی می کنند. نشانی اش انتهای بولوار اندیشه در پارک نیلوفر آبی است. «نیلوفر آبی» این روزها دیگر فقط یک پارک محلی نیست؛ پاتوق علاقه مندان به کشت و کار است. حالا که در عصر دیجیتال، حس مشارکت و احوالپرسی بین همسایه ها کم رنگ تر از گذشته شده. در این پارک، ایده های جوانه زده است که می خواهد اهالی محله را با طبیعت و صدا البته با هم پیوند بدهد. مزرعه کشاورزی شهری، تا سال گذشته فقط مرکز برای پناه گلدان های آسیب دیده بود. اما اکنون دارد به بستری برای شکل گیری هویت محله تبدیل می شود؛ جایی برای آموزش کشاورزی، همکاری و تعاون همسایگان، ساختن حس تعلق خاطر به محل زندگی و همه آن ویژگی هایی که محله ها و مردم قدیم با آن زنده بودند.



یکی از خانم های فعال در مزرعه، اکرم مولازاده، کارشناس ارشد مشاوره خانواده است. او و سایر افراد از اولین کسانی بودند که کرت گرفتند. او اکنون سه کرت را با همسرش اداره می کند و توضیح می دهد: وقتی خانم های محله را دیدم که با حضور در مزرعه، روحیه شان بهتر می شود، تصمیم گرفتم از تخصصم استفاده کنم و کلاس های مشاوره رایگان برگزار کنم. اینجا یک کلاس وجود دارد که دوره های آموزشی باغبانی و موارد مشابه در آنجا برگزار می شود. برای همین به ذهنم رسید با مسئول مزرعه هماهنگی و کلاس مشاوره برگزار کنم.

خانم ها در حالی که دور هم جمع شده اند، با لبخند رضایت، صحبت های مولازاده را تأیید می کنند. این مشاور می گوید: همه مان دغدغه های روحی و ذهنی داریم که باید به آن هم رسیدگی شود؛ همان طور که حضور مادر طبیعت باعث شادی و نشاط می شود، باید به آن دغدغه ها هم توجه کنیم. برای همین در هفته یک ساعتی هم به این موضوع اختصاص می دهیم تا خانم ها واقعا با حال خوب به خانه برگردند.

برای بسیاری از بانوان خانه دار، باز نشستگان و زوج ها، این مزرعه و مرکز امداد، سرگرمی و درمان است. روزهایشان با برداشت سبزی و گفت و گو با همسایگان پر می شود. زهرافدایی پنجاه ساله، درباره تأثیر روحی مزرعه می گوید: وقتی اینجا هستم، همه دغدغه هایم از بین می رود. هر روز که محصولاتم را می چینم و با دیگران تقسیم می کنم، حس می کنم عضوی مؤثر هستم. اتفاقات اینجا و دورهمی هایش، ارزشمندتر از هر کلاس تئوری است.

سبزی می کارم و مشاوره می دهم

صبح و پارک و کشاورزی

در یکی از روزهای آذر، راهی پارک می شویم. گرچه پوشش بیشتر مردم پاییزی شده، هنوز خورشید گرم می تابد. در پارک، بعد از مزار دو شهید گمنام که از سال ۹۵ میهمان محله اندیشه شده اند، از سمت راست، تابلو «مزرعه کشاورزی شهری» آشکار است. از دور، برای تازه واردهایی مثل ما که بار اول است به اینجا می آییم، هیچ فعالیت کشاورزی پیدا نیست. قدم ها که بیشتر می شود، کرت ها هم پیدا می شوند. نور خورشید بر ردیف سبزی ها می تابد. بعضی ردیف ها، با پلاستیک های بزرگ پوشانده شده و ظاهری گلخانه ای پیدا کرده است. نسیم خنکی در جریان است و چند بانوی خوش رو حیه مشغول گپ زدن هستند. فاطمه غلامی چهل و هشت ساله یکی از آن ها است. دسته های سبزی شاهی چیده شده را گرفته است و با لبخندش، ما را به سمت خود می کشاند. او که از شروع به کار مزرعه، صاحب کرت شده است، می گوید: ما خودمان زمین داریم و پدرم زراعت می کند. با خاک و کشاورزی غریبه نیستیم. وقتی اینجا راه افتاد، فوری درخواست کرت کردم. چون کشت و کار را دوست دارم، ولی رفتن سر زمین پدری برای ما که در شهر زندگی می کنیم، کار سختی است. ساکن محله اندیشه، سبزی های سر حالش را نشان می دهد و دنباله حرفش را می گیرد: «اینجا با دست خودم سبزی ها را می کارم و بعد هم برداشت می کنم. تا حالا خانواده خودم، خاله و دایی و همه آشنایان از محصول این زمین کوچک استفاده کرده اند. حس خیلی خوبی دارد که محصول خودت را ببینی و بعد با دوستان و خانواده ات تقسیم کنی.»

دورهمی در طبیعت

اینجا در حاشیه خیابان پررفت و آمد، نشانه ای از استرس و هیاهو نیست. تعداد اهالی با چهره های پراز لبخند و شادی بیشتر می شود. مهناز شبانی شصت و چهار ساله یکی از خانم های فعال است که هیچ ابایی ندارد دست هایش خاک را لمس کند. محصولات را بررسی می کند. خاک را زیرورو و درباره آبیاری و کوددهی با دوستانش، یعنی صاحبان کرت های مجاور صحبت می کند. او اینجا را فضایی برای آرامش گرفتن و هم معرفتی می کند که در کنارش مشارکت اجتماعی و حضور مستقیم در طبیعت را هم تجربه می کند. شبانی با لبخند می گوید: هر روز از ۱۰ صبح تا ۱۱:۳۰ در مزرعه هستم. اینجا فقط کشاورزی نیست؛ دورهمی خانم ها و حس دوستی برقرار است. بهترین اوقات من وقتی است که با دوستانم سبزی می کاریم و یاد می گیریم چگونه با طبیعت تعامل کنیم. این بانوی ورزشکار می افزاید: تا قبل از اینکه مزرعه باشد، با دوستانم می آمدیم در پارک قدم می زدیم و ورزش می کردیم. برای همین ما اولین کسانی بودیم که متوجه شکل گیری مزرعه شدیم. سبزی خوردن و سیر می کاریم. هم لذت می بریم و هم کنار غذایمان از آن ها بهره می بریم.





بامبلغ اندک صاحب باغ شوید

سامان محمدزاده، راهبر مزرعه و کارشناس ارشد گیاه پزشکی، با دقت وضعیت هر کرت را زیر نظر دارد. او کارشناس مسئول اینجاست و با تخصصش کنار علاقه مندان به بهبود کشت و کار کمک می‌کند. این کارشناس توضیح می‌دهد: مزرعه شامل کرت‌های ده متری است که به صورت سالانه به شهروندان واگذار می‌شود. هر فرد می‌تواند با اجاره کرت، سبزیجات و صیفی جات دلخواهش را، از شاهی و تربچه گرفته تا شلغم، کرفس و جعفری، بکارد. هزینه اجاره سالانه کرت‌ها هم ۳۰۰ هزار تومان است. الباقی ملزومات مورد نیاز به صورت فروشی در مرکز فراهم است. محمدزاده اضافه می‌کند: در کنار فعالیت‌های روزانه، مرکز، هر هفته برنامه‌های آموزشی ویژه مادران و کودکان برگزار می‌کند. کودکان یک روز باغبانی و حضور در طبیعت را تجربه می‌کنند. می‌آموزند چگونه سبزی و گیاه بکارند، برگ‌ها و علف‌های هرز را تمیز کنند و اهمیت محیط زیست و تعاملات اجتماعی را تجربه می‌کنند.

خدمات حضور و مجازی

علیرضا کفاش، معاون فضای سبز سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری مشهد

کفاش درباره ضرورت این طرح توضیح می‌دهد: با افزایش زندگی شهری و آپارتمان نشینی، نیاز بود فضایی ایجاد کنیم که مردم خودشان با خاک و گیاه ارتباط پیدا کنند. اولین زمین کشاورزی شهری با ۳۰۸ قطعه در بوستان برکت افتتاح شد و پس از آن، چهل قطعه زمین در بوستان نیلوفر آبی و ۱۰۸ قطعه در بوستان بزرگ کرامت طراحی شده است. به گفته او از صبح تا شب (۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر)، کارشناسان مرکز به صورت حضوری آماده خدمت هستند و شهروندان می‌توانند بیست و چهار ساعته از طریق سایت و کانال، گیاه آفرین، با آن‌ها در ارتباط باشند. خدمات شامل آموزش، نگهداری گیاهان آسیب دیده، فروش گیاهان آپارتمانی و فصلی و مشاوره مستقیم است. این مسئول بیان می‌کند: مرکز مشاوره و امداد گل و گیاه، با مساحتی بالغ بر ۲۴۶ مترمربع فضای آموزشی و اداری، دمنوشکده، گلخانه و ۱۷۹ مترمربع باغچه آموزشی طراحی شده است. هدف از ایجاد این مرکز، افزایش آگاهی شهروندان درباره کاشت و نگهداری گل و گیاه، ترویج علاقه و مشارکت اجتماعی و آموزش روش‌های مراقبت از گیاهان آسیب دیده اعلام شده است.

حسین نوغانی، رئیس شورای اجتماعی محله اندیشه

کاشتن بذر مشارکت

اگر بخواهیم از اولش بگوییم، اینجا فقط یک «مرکز امداد گیاه» بود. مردم گل‌دان‌هایشان را که بیمار می‌شد یا آسیب می‌دید، می‌آوردند و مشاوره می‌گرفتند. راهکار می‌آموختند و به گیاهشان رسیدگی می‌کردند. کار مرکز در حد آموزش و مشاوره بود، ولی همان‌هم واقعا به درد مردم می‌خورد. ایده توسعه این فضا از جلسات شورای اجتماعی محله بیرون آمد. به همین دلیل، فضای باز کنار مرکز اضافه شد تا خانواده‌ها بتوانند زمین کوچک یک در ۱۰ متر را اجاره و با آموزش و مشاوره، کشت و کار را تجربه کنند. الان وضعیت به این شکل است که فقط برای همین فضا، حدود چهل نفر در نوبت هستند. آن‌هم در حالی که ما تبلیغات گسترده‌ای نکرده‌ایم و اطلاع‌رسانی فقط از طریق شوراهای محله انجام شده است. دنبال این هستیم که فضای دیگری برای کشاورزی اضافه کنیم تا پاسخ‌گوی این استقبال باشیم.

البته اجرای کار زمان بر بوده است. مصوبه‌ها، هماهنگی با شهرداری، فنس‌کشی و آماده‌سازی زمین، همه این‌ها پروسه داشته است. مدت زیادی نیست این بخش جدید راه افتاده است، ولی باز خوردش نشان می‌دهد مردم دوست دارند. ما اعتقاد داریم کاربری پارک نباید صرفاً تفریحی باشد. هر قدر کاربری‌ها متنوع‌تر شود، سودش برای مردم بیشتر است؛ هم از نظر اجتماعی، هم فرهنگی، هم محیط‌زیستی. واقعیت این است که یکی از مشکلات محله‌های ما، نبودن پیوندهای اجتماعی و کم بودن مشارکت مردم است. برای حل این مسئله، نیاز داریم هویت‌های جدید خلق کنیم؛ فضاهایی که مردم در آن احساس تعلق کنند. این مجموعه، یکی از همان هویت‌هاست. ما حتی به دنبال راه‌اندازی موزه محله‌ای در همین محدوده هستیم. هدف ما در شورای اجتماعی محله حجاب همین است؛ اینکه مردم حس کنند اینجا متعلق به خودشان است. کنار هم باشند و محله را زنده و پویا نگه دارند.



خدا پیام‌رزی اهالی برای فاطمه خانم



مکان نما



این مسجد و حسینیه به درخواست حاج خانم به نام حضرت فاطمه الزهرا^(س) نام گذاری شد و در سال های پس از فوت او کوش و قوس های زیادی در زمینه قانونی داشت اما در نهایت طبق وصیت او مسجد باقی ماند و حالا در آن به روی اهالی باز است. باتوجه به اینکه در محله خاتم الانبیا^(ع) افراد کم بضاعت بسیاری زندگی می کنند. این مسجد تبدیل به یک کانون حمایتی مردمی برای این افراد شده که در پی همه آن ها دعاهای خیر و خدا بیامری برای واقفش گفته می شود.

سرو سامان دادن زمین وقفی توسط همسایه ها

متقی تعریف می‌کند: وقتی داشتیم گچ‌کاری و سایر کارهای عمرانی مسجد را انجام می‌دادیم، مردم این قدر از این بابت خوشحال بودند که از خانه‌هایشان، برای ما حایم می‌آوردند و خدا قوت می‌گفتند.

او که از آن زمان تا حالا جزو فعالان مسجد است، می‌گوید:
خدا را شکر اکنون تا حدودی مسجد سرو سامان گرفته است
و داریم شیرینی بعد از سختی‌های گذشته را حس می‌کنیم.

اصغر آقا دیوار خانه کنار مسجد را نشان می‌دهد و می‌گوید: اینجا قبل درداشت که متعلق به خانه بود و حاج خانم از آن به داخل مسجد می‌آمد. بقیه جاها هم مخروبه و مانند زمین خاکی بود. وقتی آن را وقف مسجد کرد، مردم مرتب و ترو تمیزش کردند. در هم بسته شد تا ساختن آن دخترها حد باشد.

نذر کردم کارهای مسجد را انجام دهم

به گفته محمود آقا از آن زمان تاکنون همه شب‌های ماه رمضان در مسجد افطاری ساده داده می‌شود که اهالی بانه آن می‌شوند.

کبری خانم چشم‌ها و ابروهایش را درهم می‌کشد و ادامه می‌دهد:
بنده خدا حاج خانم او آخر عمر حالش خوب نبود. در خیابان
به زمین خورده بود و همسایه‌ها کمکش کردند. حالا او نیست و
باد و خاطره‌اش هست و ثواب، که از آب، بنابه روحش می‌رسد.

قدردانی، همسایه ها از خادمان مسجد

حیدر متقی که جوانی متولد ۶۷ و مداح و مسئول امور فرهنگی آن است، با خنده می گوید: من داما دایناجهاستم، از وقتی ازدواج کردم، چون خانه پدر همسر دینا جاست، رفت و آمد من به این مسجد زیاد شد. او می گوید: حدود ۱۰ سال پیش، بنای مسجد شرایط مناسبی نداشت، با وجود این، مردم می آمدند. او اب، مسجد را خنجر و مساجد

●○ پایگاهی برای کمک به اهالی

علاقه‌مندی که قصد کمک به ساخت این مسجد را دارند می‌توانند کمک‌های خود را به شماره کارت ۵۸۹۲۱۰۷۰۴۶۸۰۲۵۷۸ به نام مسجد فاطمه الزهرا^(س) واریز کنند.



جشن «مغز بادوم» در مسجد امام جعفر صادق (ع) محله گل‌دیس برگزار شد

نوه‌داری پدر بزرگ‌ها

فهیمة شهری‌ادیدن دونس‌ل کودک و سال‌خورده در کنار هم زیبایی‌های خودش را دارد. مسجد امام جعفر صادق^(ع) در محله گل‌دیس با اجرای جشن «مغز بادوم» میزبان پدر بزرگ‌هایی بود که از سال ۱۴۰۲ تا کنون صاحب نوه شده‌اند. این جشن حال و هوای دیگری به مسجد و مردم محله داده بود؛ آن‌ها از دیدن بچه‌ها لذت می‌بردند و در کنار هم خاطره‌سازی کردند.

● در آغوش گرفتن نوه‌ها و از یاد بردن دردها

سروصدای بچه‌ها اولین چیزی است که وقتی وارد جشن «مغز بادوم» در مسجد امام جعفر صادق^(ع) می‌شویم، توجه‌مان را جلب می‌کند اما در این ازدحام، این قدر شور و نشاط و خنده هست که ناخودآگاه لبخند بر لبان ما هم نقش می‌بندد. حال خوب بچه‌ها، پدر بزرگ‌ها را هم به وجد آورده است؛ نه از دردهای جسمانی گلایه می‌کنند نه از وضع معیشت و جامعه. نوه‌هایشان را در آغوش گرفته و انگار تمام غم و غصه‌ها را از یاد برده‌اند. بیست پدر بزرگ از محله گل‌دیس به این مراسم دعوت شده‌اند. بعد از تلاوت قرآن و صلوات خاصه، گروه سرود متشکل از کودکان اجرا می‌کند و سپس نوبت استندآپ کمدی عمو نواب می‌رسد تا ویژگی‌های کودکان و پیری را دستمایه طنز کند و همه را بخنداند.

● نقش حمایتی بزرگ‌ترها در فرزندآوری

حامد قربانی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹، یکی از سخنرانان این مراسم است. او به نقش پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در فرزندآوری اشاره می‌کند و می‌گوید: با توجه به اینکه در حال حاضر بسیاری از پدرها و مادرها هردو

شاغل هستند، فرزندآوری را نوعی ریسک یا مداخله در کارهای جاری می‌دانند اما اگر نقش حمایتگر پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها باشد، این جنبه کم‌رنگ می‌شود و جوان‌ها می‌توانند با خیال آسوده‌تری، شیرینی پدر و مادر شدن را تجربه کنند.

به گفته او طرح «مغز بادوم» در شانزده مسجد منطقه ۹ اجرا می‌شود و در آن ضمن قدردانی از کسانی که در دو سال اخیر پدر بزرگ شده‌اند، پدر بزرگ‌هایی که ویژگی‌هایی همچون جوان‌ترین، مسن‌ترین، پدر شهید، ایثارگر و بیشترین نوه را دارند، معرفی می‌شوند و مورد تقدیر قرار می‌گیرند.

● دوتا بچه کم است

بخش پایانی این مراسم، اهدای جوایز به پدر بزرگ‌ها بود. بین پدر بزرگ‌های دعوت شده، سید حسین صبوری، پدر بزرگی که بیشترین نوه را در جمع حاضر دارد، تقدیر شد. به گفته خودش پانزده نوه دارد و یکی دیگر هم به زودی متولد می‌شود.

او می‌گوید: تعجب می‌کنم از جوان‌هایی که به بهانه مشکلات اقتصادی، بچه‌دار نمی‌شوند. حسین آقا که کارگر و دارای فرزند است، ادامه می‌دهد: به عقیده من تا ازدواج نکنی و بچه‌دار نشوی، روزی ات زیاد نمی‌شود و اموالت برکت

نمی‌کند. خود من وقتی اولین بچه‌ام به دنیا آمد، خانه‌دار شدم. موقع فرزند دومم خانه‌ام بزرگ‌تر شد. بعد از تولد فرزند سومم خانه‌ام دوباره بزرگ‌تر شد. بعد از فرزند آخرم رفتیم به کربلا؛ این‌ها از برکات بچه‌هاست.

محمد صبوری با ۴۶ سال سن، عنوان جوان‌ترین پدر بزرگ این مراسم را دارد. او در حالی که نوه سه‌ماهه‌اش را در آغوش دارد، می‌گوید: از وقتی نوه‌ام به دنیا آمده د ختم بیشتر وقت‌ها خانه‌مست و این کنار هم بودن لذت زندگی را برای ما دوچندان کرده است. از سر کار که می‌آیم خانه، با دیدن نوه‌ام، خستگی از تنم در می‌رود و با انرژی مضاعف دنبال بازی با او و در آغوش گرفتنش هستم. او که دود خنجر دارد، ادامه می‌دهد: من و همسر الان که فکرش را می‌کنیم می‌بینیم دو بچه کم است و دوست داشتیم حداقل چهار فرزند داشتیم.



نوجوان رزمی‌کار محله رسالت، هدف مهمی دارد

نذری آموزش رایگان کاراته



و پرفکت کیوکوشین کاراته بود که من در همه این مسابقات، مدال طلا را به دست آوردم.

● بهترین خاطره ورزشی‌ات را برایمان بگو.

در مسابقه فینال رقابت‌های پرفکت کیوکوشین، حریفم خیلی پر قدرت وارد زمین شد. بادی به غیب انداخته بود و احتمالاً فکر می‌کرد به راحتی من را می‌برد. اما اوضاع برعکس شد. ثانیه ۳۰ از غافلگیری‌اش استفاده کردم و بایک ضربه «اوشیروگری» ناک‌اوتش کردم. این خاطره خوب همیشه در ذهن من می‌ماند.

● چه ورزش دیگری را غیر از کاراته دنبال می‌کنی؟

کشتی و فوتبال. به نظرم این دو ورزش، قدرتی و استقامتی هستند. نفس آدم را چاق و بدن را ورزیده می‌کنند.

● بهترین حریف تمرینی تو چه کسی است؟

خواهرم! او هم به کاراته علاقه‌مند است و خیلی وقت‌ها با هم تمرین می‌کنیم؛ البته من مراعاتش را می‌کنم که ضربه محکمی به او نزنم.

● چه هدفی را در ورزش کاراته دنبال می‌کنی؟

دوست دارم عضوی از تیم ملی کاراته باشم و در مسابقات جهانی حضور داشته باشم. اما بیشتر از آن دوست دارم کاراته را به رفقا و هم‌کلاسی‌هایم آموزش بدم. اصلاً نذر کرده‌ام اگر در ورزش رزمی به جایی برسم به آن‌هایی که کاراته را دوست دارند، رایگان آموزش بدهم.

● چرا کاراته را انتخاب کردی؟

کاراته قدرت بدنی زیادی می‌خواهد و من هم این موضوع را دوست دارم. علاوه بر این کاراته به من یاد داد خوب تمرین کنم، صبور باشم و به بزرگ‌ترهای باشگاه و استادان احترام بگذارم. این‌هایی که گفتم، نه تنها در ورزش، که در زندگی شخصی خودم هم مهم بوده است.

● تاکنون چه مقام‌هایی به دست آورده‌ای؟

سال گذشته سه بار در مسابقات کشوری حضور داشتم که مربوط به سبک‌های مختلف می‌شد. این سبک‌ها شامل کیوکوشین کاراته، کن‌شین کان کاراته

رضاری‌احی‌ا در سالن تمرین کاراته محله رسالت، جایی که خیلی‌ها برای رؤیاهای بزرگ تلاش می‌کنند، نوجوانی ایستاده است که سن کم اما انگیزه‌ای بزرگ دارد. امیرحسین مصوری، رزمی‌کار چهارده‌ساله‌ای است که با پشتکار و تمرین‌های مداوم، توانسته عنوان قهرمانی کشور را در رشته کاراته به دست آورد. او در خانواده‌ای نفس کشیده که ورزش بخش جدانشدنی زندگی‌شان است. از جمله پدری زحمتکش که کشتی می‌گیرد و خواهری که به کاراته علاقه دارد و همراه خوبی برای تمرین‌های امیرحسین محسوب می‌شود. امیرحسین در فضایی رشد کرده که احترام، تلاش و روحیه پهلوانی حرف اول را می‌زند و همین‌ها او را به یکی از امیدهای ورزشی محله رسالت تبدیل کرده است.

● از چه زمانی وارد دنیای ورزش شدی؟

از کودکی عاشق ورزش بودم. پدرم که الان در کارخانه قند فریمان کار می‌کند، آن سال‌ها کشتی می‌گرفت و بعضی وقت‌ها هم به زورخانه می‌رفت. برای همین من هم به ورزش علاقه‌مند شدم ولی از آنجایی که نزدیک خانه مان باشگاه رزمی بود، من هم برای کاراته ثبت‌نام و آن را شروع کردم.





۱. رازی، استادیوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، اینارگران، امام‌هادی (ع)، خاتم‌الانبیاء (ص)، میثاق

محلات منطقه‌ها

۹. نوفل‌لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهوایی، آب‌ویرق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس، ولی‌عصر (عج)



○ پاکبان‌های منطقه ۹ هم این روزها در شیفت‌های دوازده ساعته مشغول کارند. تعدادی از آن‌ها را در بولوار هاشمیه می‌بینیم. از بینشان، جواد مظفری می‌گوید: من هم دیسک کمر دارم و هم آسم. ولی زمین راتمیز می‌کنم تا راه رفتن برای مردم راحت‌تر شود. بیشتر از جانم مایه می‌گذارم تا جان مردم سلامت بماند.

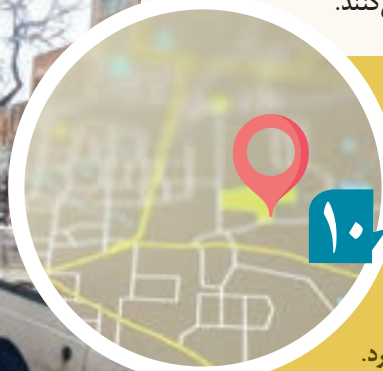


○ در همه معابر منطقه ۱۰، پاکبانان مشغول پارو کردن برف‌ها هستند تا حادثه‌ای برای شهروندان رخ ندهد. موسی الرضایی‌گلری، سید محمد حسینی، حسین خوش‌رو، سه نفر از این پاکبانان، پارو به دست دارند و در بوستان آفتاب، برف‌ها را پارو می‌کنند. آقا سید محمد می‌گوید: این روزها از ۱۰ شب تا ۱۰ صبح سرکار هستیم؛ روزی دوازده ساعت، آن هم فقط برای آسایش و راحتی مردم. آن‌ها هم قدرشناس هستند؛ برخی نصفه شب و در سرما، با چای گرم از ما پذیرایی می‌کنند.

قاب‌های برفی زیبا از محلات ما که نشان از شادی و تلاش مردم دارد

حال خوب این روزهای سپید

رضاریاحی ابرف که می‌بارد، شهر و محله ما چهره دیگری به خودش می‌گیرد. خیابان‌ها سفیدپوش‌اند و لب‌خندها پررنگ‌تر. کودکان با گونه‌های سرخ کنار آدم برفی‌ها سلفی می‌گیرند و رهگذران، بی‌اختیار لحظه‌ای می‌ایستند تا قاب تازه‌ای از شهر را تماشا کنند. برف، بهانه‌ای شده است برای گفت‌وگو. برای مهریانی‌های ساده و نگاه‌هایی که به هم‌گره می‌خورند. در این میان پاکبان‌ها پادشاهان سردامان‌هایی گرم، شهر را تمیز نگاه می‌دارند. این روزها برف، حال مردم شهر ما را خوب کرده است.



○ این روزها برخی از درختان به خاطر بارش زیاد برف شکسته و حتی کوچه‌ها مسدود شده‌اند. روز شنبه بود که حمید رضانعی می‌در تماس با شهرآرامحله گفت: درختی در کوچه هفت تیر ۱۶ شکسته و خیابان را مسدود کرده است. شهرآرامحله با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۹ تماس گرفت و پیگیری کرد. روز بعد که حمید آقا زنگ زد، با خوشحالی گفت: سرشب آمدند و درخت را از وسط خیابان جمع کردند.



عکس: رضا ریاحی/شهرآرامحله

○ حمید نیکوکار را در خیابان شهید دکتر طهرانچی ۱۲ می‌بینیم. بیل به دست گرفته است و برف روی درختان را می‌تکاند. او به ما می‌گوید: روز جمعه با چند نفر از آقایان کوچه جمع شدیم و برف‌های بوستان نیلوفر را پارو کردیم. هرکسی باید این روزها در حد توان خودش وقت و انرژی بگذارد.